



مردم آزاده و عزیز ایران

آذر مدرسی

دادن عزیرانمان در آبانماه و دیمه سال گذشته، امکان روزهایی فارغ از دست و پنجه نرم کردن با معضلات و مصائب، امکان داشتن لحظات و روزهای هرچند کوتاه و موقتی برای شادی و لذت بردن از در کنار هم

در شرایطی که جامعه بشری با یک فاجعه انسانی روبرو است، در شرایطی که شیوع ویروس کرونا و قربانی شدن بیش از هزار نفر در ایران طی چند هفته گذشته، در کنار از دست

بودن را از ما گرفته است، برگزاری نوروزی شاد غیرممکن است.. صفحه ۲



دفاع از زندگی

مظفر محمدی

مسئولیت تامین مواد بهداشتی و درمان رایگان و قرنطینه ی مراکز بحرانی و تضمین نیازمندیهای خوراکی مردم سر باز می زند.

مردم کردستان همچنان سراسر ایران، برای دفاع از زندگی در مقابل بیماری کرونا بسیج می شوند. در حالی که مسئولیت امنیت جانی و سلامت جامعه برعهده ی دولت است، در حالیکه در ایران ثروتمند کلیه درآمد و داراییهای جامعه در قبضه ی قدرت سرمایه داران خصوصی و دولتی و نظامی است، هنوز دولت از برعهده گرفتن

شهرک نایی سر سنج با نود هزار جمعیت، ضدعفونی کردن یک خیابان به طول دوکیلومتر را نمایش می دهند. یا در میروان روستاییانی که می خواهند مانع ورود و خروج مردم شوند را مورد تعرض و آزار قرار داده اند.. صفحه ۳

تحركات نظامیان از جمله در کردستان در پوشش مبارزه با کرونا در واقع برگزاری مانورهای نمایشی مسخره بیش نیست. برای مثال سپاه پاسداران در

حکمتیست

۲۹۹

۱۹ مارس ۲۰۲۰ - ۲۹ اسفند ۱۳۹۸
پنجشنبه ها منتشر میشود

دستمزدها

از فراز "قله های ۱۳۹۸"

مصطفی اسدپور

صفحه ۴

جهان تسلیم خفت سرمایه داری نخواهد شد!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

ویروس کرونا به یک تهدید جدی مقابل بشریت تبدیل شده است و تاکنون همه مرزها را بدون موانع درنوردیده و در مدت زمان کوتاهی جان هزاران نفر را گرفته است. تخمین زده میشود ۸۰ درصد مردم جهان به این ویروس مبتلا میشوند و میلیونها انسان در اثر آن جان خود را از دست خواهند داد. قربانی شدن انسانها در این ابعاد، در قرن بیست و یک، در دنیایی که دانش پزشکی در آن قادر به خلق انسان است، در دنیایی که حاکمان آن، هیچ مسئولیتی در قبال جان انسانها قبول نمیکند، فقط و فقط کثافت جهان دست ساز سرمایه را به نمایش میگذارد.

حدود پنج سال است که عروج ویروسی خطرناکتر از سارس پیش بینی شده است اما بدلیل "سودآور" نبودن آن هیچ دولت یا "نهاد بین المللی" و منجمله سازمان بهداشت جهانی حاضر به تامین هزینه تحقیقات پزشکی برای پیشگیری و مقابله با آن نشده اند. تلاش امروز برای مقابله با آن نه برای نجات جان میلیونها انسان، که برای کم کردن تأثیرات مخرب آن بر اقتصاد و سودآوری سرمایه جهانی است. تا همین جا کرونا بیرحمی، شقاوت، ریاکاری و لجام گسیختگی کاپیتالیسم و منطق آن و بی ارزشی زندگی و سلامت انسانها نزد این نظام را به نمایش گذاشته است.. صفحه ۲

جدال جهانی "کرونا"

دنیای پس از آن

ثریا شهابی



بشری، همه مردم، فقیر و غنی، سیاه و سفید، زن یا مرد، حاکم یا محکوم، و بالای سر قریب هشت میلیارد جمعیت جهان، به پرواز درآورد. ناگهان طی چند هفته، کوچه و خیابانهای پرجمعیت ترین، پیشروترین و پرطپش ترین پایتخت های جهان، ... صفحه ۵

ناگهان طی چند هفته ایپدیمی ویروس "کرونا"، چون "بمب های" خوشه ای همزمان و غافلگیر کننده بر سر جهانیان، از آسیا تا اروپا و آمریکا و آفریقا، فرود آمد و سایه هراس از مرگ و یا عامل مرگ دیگران شدن را بر بالای سر همه جوامع

مارس وحشت در دل دریای مدیترانه

مصطفی اسدپور ص ۷

آزادی برابری حکومت کارگری

سال ۹۸ فقط سال تحمیل فقر، سال سرکوب، سال استبداد و زندان و از دست دادن عزیزانمان نبود، سال ۹۸ همزمان سال خیزش آبانماه، سال خیزش دیماه، سال اعتراض های توده ای، سال جدالی سراسری برای سعادت، برابری و آزادی برای همگان و سال نزدیکی ها و پیوندها و همبستگی های وسیع تر و عمیق تری بین میلیونها مردم گرفتار در چنگال حکومت، هم بود. سالی که میرفت تکلیف حاکمیت سیاه را، با فقر و تباهی و دشمنی اش با زندگی ما، یکسره کند. در آستانه سال

جدید بیایید اجاز ندهیم ابعاد فاجعه امروز این واقعیت را، نزد خودمان و نزدیکان مان و در چشم دشمنان مان، کم رنگ کند.

در این روزهای سخت، روزهایی که عزیزانمان را نه فقط بدلیل فقر و محرومیت و بیماری، که علاوه بدلیل بی مسئولیتی مطلق حاکمیت در اختصاص حداقلی از امکانات پیشگیری از شیوع این بیماری، در رسیدگی به وضعیت بیماران، از دست میدهیم، شاهدیم که مردم و بویژه جوانان، پشت به حاکمیت و در بی اعتمادی مطلق به آن، چگونه دست در

تنها سرمایه و خزانه خود کرده اند و بر متن قساوت کامل حاکمیت، آن را بکار انداخته اند. همبستگی، اتحاد، همیاری و اتکا به عمل مستقیم خود، تنها سرمایه مردم در ایران است که در جدال ها و بحران های قبلی، طی چهل سال گذشته و بخصوص از دیماه سه سال پیش کسب کرده و اندوخته اند و امروز آنرا به کار میگیرند.

تنها و تنها این سرمایه و این همبستگی و تلاش مستقیم مردمی است که هر روز پیش از پیش میروند که به نیرو و قدرت متحد و همبسته خود، باور کند و بر آن تکیه کند و در این

باتلاق تباهی و سیاهی که به حق همه مردم را به هراس انداخته است، چون نوری در انتهای تونل راه برون رفت را نشان میدهد.

امروز همه ما شاهد موج انسانی همیاری و امدادگری هستیم. شاهد فداکاری بخش وسیعی از جوانانی هستیم که برای کمک به سالمندان، محرومان، کودکان روانه خیابانها و محلات، مراکز کار شده اند. این انسانیت، این عشق به همنوع نقطه امید است که میتوان با تکیه بر آن، نوروز و بهار سال جدید را تازه کرد و گرامی داشت.

ما قطعا این فاجعه را پشت سر میگذاریم! از

صمیم قلب امیدواریم با حداقل خسارات انسانی آن را پشت سر بگذاریم! اما بی تردید با پشت سر گذاشتن آن کار ناتمام به زیر کشیدن این حاکمیت سیاه را، به پایان میبریم. از طرف رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی) سال نور را به شما تبریک میگوییم، برای شما آرزوی سلامتی، تندرستی را دارم و سالی سرشار از سلامتی و سعادت را برایتان آرزو میکنم.

آذر مدرسی
دبیر کمیته مرکزی حزب
حکمتیست (خط رسمی)
۲۸ اسفند ۱۳۹۸

جهان تسلیم خفت

کرونا پرده از چهره جهان "متمدن" بورژوازی، از چهره همه دولتها و نظام حاکم بر کره خاکی برداشته است.

کرونا چهره ضد انسانی نظام کاپیتالیستی، بیرحمی و شقاوت آن، ریاکاری و دروغگویی و لگام گسیختگی حاکمین و بی ارزشی جان و سلامت اکثریت مردم نزد آنها را به نمایش گذاشته است. کرونا قربانی میگیرد و همزمان بیگانگی نظام های حاکم با هر نوع تمدن، هر نوع انسان دوستی، هر نوع حرمت و کرامت انسانی را به نمایش میگذارد. امروز مردم در کشورهای "متمدن" و

"مرفه" در غرب با ناباوری با این واقعیت روبرو میشوند که چگونه دول حاکم نه تنها طی چند سال گذشته برای مقابله با خطر این ویروس دست روی دست گذاشته اند، علاوه امروز نیز از اختصاص هزینه برای تهیه امکانات اولیه برای بیمارستانها، تامین پرسنل کافی، امکانات بهداشتی و نگهداری از مبتلایان هم خودداری میکنند.

جهان یکبار دیگر ناخوانایی نظام سرمایه داری با زندگی اکثریت مردم، مردمی که تولید همه نعمات مادی جهان را بدوش میکشند، عیان کرد. کرونا، توهم به سعادت و خوشبختی زیر سایه این نظام خاتمه داد. اکنون جهانیان شاهدند که دولتهای

بورژوازی به جای تخصیص هزینه برای امنیت، رفاه و خوشبختی بشر در قرن ۲۱، میلیاردها دلار از دارایی های عمومی را صرف زرادخانه های تسلیحاتی خود میکنند؛ امروز همه میدانند که رقابت قدرت های بورژوازی، چه جهنمی را به زندگی مردم جهان تحمیل کرده است. همه میدانند که سرمایه داری چه ظرفیتی برای نابودی کره زمین در اختیار دارد. هر اندازه این نظام ثروتمندتر میشود به همان میزان طبقه کارگر و اکثریت جامعه، از امکانات و نعمات مادی محروم تر میشوند.

امروز این کرونا نیست که بشریت را با مرگ و کشتار تهدید میکند. این نظام سراپا گندیده و

متعفن سرمایه داری است که هستی میلیاردها انسان را برای سود و سرمایه بیشتر در انحصار اقلیتی پولدار، تهدید میکند و به بازی گرفته است.

آنچه امروز زندگی بشر را تهدید میکند، نفس ویروس کرونا نیست بلکه وجود نظامی است که با ساعات، سلامت و زندگی بشریت در تضاد کامل است. نظامی که در آن، بجز سود سرمایه، همه چیز قابل معامله است. بعد از کرونا، جهان بیش از پیش شاهد کيفرخواست بشریت علیه نظام سرمایه داری و کار مزدی خواهد بود. اعتراض به نابرابری، فقر، محرومیت و مصائبی که از وجود این نظام گریبانگیر انسانها شده است؛ اعتراض به قدر

قدرتی، اعتراض به گرو گرفتن خوشبختی و معیشت انسانها، در محلات کار و زیست مردم شروع به جوشیدن خواهد کرد. بشریت به حاکم شدن هراس، خفت و له شدن حرمت اش در این نظام تن نخواهد داد. دنیا را باید بر قاعده اش نشانند تا دیگر کسی برای تامین نیازمندی های اولیه زندگی مجبور به مبارزه نباشد؛ تا دیگر کسی از بیماری و بی سرپناهی جان نکند و برخورداری از مواهب زندگی حق یکسان همگان شود؛ بشریت لایق یک زندگی بهتر و دنیایی انسانی تر است.

حزب کمونیست کارگری
- حکمتیست
(خط رسمی)
۱۹ مارس ۲۰۲۰

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به رحم خود تبدیل کنید!

دفاع از زندگی ...

حضور نظامیان در شهرها، تنها یادآور خاطرات سرکوب خونین مردم است و نه احساس همبستگی انسانی و یا توقع کمک به جان و زندگی مردم. مانورهای ریاکارانه ی نظامی و تظاهر به خدمت به مردم، برای رژیم و سپاهش بخاطر خریدن آبروی نداشتنه و لاپوشانی جنایات گسترده شان است. در مقابل بی مسوولیتی در حد جنایت دولت، اما بخش فعال جامعه در شهرهای کردستان برای دفاع از زندگی با تشکیل گروه های امداد، کمیته های محلات ولو با امکانات بسیار محدود، محلول های ضد عفونی و ماسک تهیه و بطور رایگان به نیازمندان تحویل می دهند. برای کودکان کار و خانواده های فقیرتر و تنگدستان بسته های بهداشتی و مواد خوراکی تهیه می کنند. در همانحال بخش وسیع تری در صفحات مدیای مجازی برای فشار بر دولت بسیج شده اند و مردم را در جریان اخبار و هشدارها و مشاوره های درست قرار می دهند.

اما نباید فراموش کرد که مقابله با اپیدمی کرونا بدون اقدامات سریع و وسیع و تامین بودجه ی کلان و توزیع رایگان نیازمندیهای بهداشت و درمان و بدون قرنطینه ی شهرها و مناطق به شدت بحرانی و تامین

بسته های خوراکی برای خانواده ها از طرف دولت، امکانپذیر نیست. روحانی و همراهانش در کمال پرویی و بی شرمی از ناتوانی در تامین این نیازها حرف می زنند و به این دلیل است که از قرنطینه خودداری می کنند. اما ناتوانی دروغی شرم آور است. کیست که نداند نقدینه های چندین هزار میلیاردی و تریلیونی و انبارهای عظیم احتکار مواد بهداشتی و خوراکی و کمک های خارجی برای تامین نیازمندیهای مبارزه با کرونا، کفایت می کند. دولت و سرمایه داران و تاجران بخش خصوصی و دولتی حاکم در بیت رهبری و سپاه و غیره، نمی خواهند ریالی از داراییهای ذخیره شده و احتکار گشته شان کم شود. نمی خواهند از سود سرمایه هایشان بگذرند و ریسک راکد ماندن سرمایه هایشان از طریق تعطیلی کار و بازار در نتیجه ی قرنطینه را نمی پذیرند.

ستاد بحران روحانی مکار از طرفی مردم را به نشستن در خانه ها تشویق می کند، از طرف دیگر زیر بار قرنطینه ی شهرهای بحرانی نمی روند. در واقع این امر را به خود مردم واگذار کرده اند تا خود امور دفاع از زندگی و قرنطینه غیر رسمی را بدون تامین نیازمندیهای بهداشتی رایگان و مواد غذایی برعهده بگیرند. این ریاکاری شیادانه ی دولتی است که حدود نیم قرن است بیکاری

میلیونی، زندگی زیر خط فقر، گرسنگی و بیماری و بی دارویی را به جامعه تحمیل کرده تا طبقه ای به نام سرمایه دار عمامه دار و بی عمامه و لشکر وزار و دولتمردان فاسد، قضات جانی، مجلس نشینان نوکر و سپاهیان و اطلاعاتی ها و زندانبانان، نعمات جامعه را قبضه و در کاخ هایشان بنشینند و به ریش جامعه بختند.

داستان ناتوانی و بی کفایتی و مدیریت نالایق و از این قبیل، جز گمراه کردن جامعه نیست. سرمایه داران و مدیران و دولتمردانشان از راس حاکمیت تا پایین ترین بخش طبقه سرمایه دار، مجرب ترین مدیران اجرای قانون سودآوری سرمایه هستند. معادن و کارخانه ها و صنایع ساختمان و تجارت و بانک ها و بده بستان هایشان در نهایت بی رحمی نسبت به طبقه کارگر و کارکنان جامعه و نهایت سودآوری برای طبقه خود می چرخند. بزرگ ترین مراکز تجاری خاومیهانه؛ برج های سر به فلک کشیده، شهرک های گسترده ی ثروتمند نشین، کاخ های دولتمردان و سرداران و ایت الله ها و حجت الاسلام ها، از کجا آمده اند، جز در نتیجه ی مدیریت همین مدیران و متخصصین سودآوری سرمایه و فوق رفاه سرمایه داران و دولتمردانشان!

داستان مدیریت نالایق، یک شوخی مسخره

است. این طبقه ی سرمایه دار حاکم که ارتش و سپاه و اطلاعات و دستگاه قضایی و مجلس و دولت و زندان ها و اعدام هایش را دارد، خوب می داند که چطور جامعه را در خدمت منفعت طبقه ی خود اداره و مدیریت کند. و حاضر نیست برای حفظ امنیت و سلامت و رفاه جامعه خدشه ای به این منفعت وارد شود. برای دولتمردان ایران هزینه ی سرسام آور نیروهای نظامی و هزینه ی ده های میلیارد دلاری نیروهای مزدور نیابتی خارج از ایران برای حفظ نظام، بر جان مردم و سلامت جامعه ارجحیت دارد.

جامعه به مدیریتی از پایین نیاز دارد که کل داراییهای نقدی و جنسی و ملک و املاک و مراکز تولید را از تصرف طبقه سرمایه دار خارج کرده و در خدمت منفعت کل جامعه قرار دهد! جای مدیریت دو طبقه باید عوض شود. این جهان وارونه باید بر قاعده خود نشاندن شود. این یعنی پایان شکاف طبقاتی، پایان فقر و بیکاری و ناامنی و گرسنگی و مبارزه با بلایای طبیعی و بیماریهایی چون اپیدمی کرونا! منشا همه ی مصیبت های جامعه ی بشری در نظام طبقاتی و انباشته شدن سرمایه و داراییهایی جامعه در دست اقلیتی به شدت فاسد و تبهکار و جنایتکار که صد البته مدیران لایق و زیرکی

برای حفظ این نظام هستند، قرار گرفته است! این ها نه این که نمی فهمند یا نمی توانند، بلکه نمی خواهند گردی بر چهره ی کثیف و نکبتار سرمایه بنشینند و دیناری از انباشت و سود سرمایه شان کم شود.

امروز و در شرایط اپیدمی مرگبار کرونا باید همه ی توان خود را بر ایجاد فشار بر حاکمان و دولتمردان حافظ سرمایه در ایران گذاشت. بسیج مردمی برای دفاع از زندگی امری به شدت انسانی و ستودنی است به شرطی که در کنار آن و مقدم بر آن از دولت سرمایه داران خواسته شود تمام امکانات نقدی و جنسی که در کنترل و اختیار شان است، در خدمت تامین امنیت و سلامت جامعه و امروز و بفوریت علیه بیماری مرگبار کرونا قرار گیرد.

جامعه ی ما به یک همصدایی عظیم و وسیع علیه تبهکاران حاکم و هزینه کردن داراییهای غصب شده ی جامعه برای مقابله با بیماری مرگبار کرونا نیاز دارد. هر اندازه غفلت در این کار، به معنای تن دادن به هزینه ی سنگین جانی و غیر قابل جبران است. از زندگی و جان خود و عزیزانمان با مجبور کردن مفسدین و تبهکاران نظام کثیف سرمایه داران به هزینه کردن داراییهای جامعه برای مبارزه با فقر و کرونا دفاع کنیم!

بیانیه حقوق جماعتمول انسان، قانون اساسی دولت آتی سورایا

دستمزدها

از فراز "قله های ۱۳۹۸"

مصطفی اسدپور



کول این تشریفات میبارد.

دوم، نفس "مذاکره" بی معنا است. دولت و مجلس و حتی تأیید امام و شورای نگهبان هم از قبل حرف آخر را زده است.

سوم، پانزده درصد ذکر شده مستقیماً با قانون اساسی خودشان منافات دارد، چرا که ارگانهای رسمی همان دولت میزان تورم را در سال ۹۸ چهل و یک درصد اعلام نموده، و همزمان مرکز پژوهش همان مجلس حداقل معیشت در مرز خط فقر را چهار تا پنج میلیون در ماه محاسبه کرده است.

چهارم، و از همه مهمتر این است که مصوبه دستمزدها، با همه دبدبه و کبکبه همراهی مجلس و دولت، از هیچ و مطلقاً هیچ اعتبار اجرایی برخوردار نیست. در کف سفت کارخانه و مراکز تولیدی، هر کارفرمایی رسماً و قانوناً میتواند و اگر عشقش بکشد مصوبه دستمزدها را در کوزه بگذارد. در ایران و تحت حکومت اسلامی سرمایه قانون واقعی دستمزدها اگر هست ناظر بر کارگر بی حقوق و ارزان است که در چهارچوب "دستمزدهای معوقه" رسمیت دارد. تماشایی است که ارباب جمعی قانون و حکومت و دولت و مجلس با همه عر و تیز کذایی در مقابل سود جویی کارفرما به دسته نوکرهای قلتشن و کارچاق کن، از ایدئولوگ تا بازجو، از اصلاح طلب تا مکتبی و ... پوست

مضحکه سالانه تعیین دستمزدها در پرده آخر یعنی مذاکرات نهایی شورای عالی دستمزد در جا میزند. با مرور تیر و گزارش صورت جلسات و جزئیات اختلاف نظر میان طرفین دولت و کارفرما از یک طرف و "نمایندگان کارگری" از طرف دیگر از خنده روده بر میشود. شواهد حکایت از قصد برگزاری جلسه کذایی در هفته آخر و درگیر و دار شروع سال جدید دارند. برای اینکه به اصل مطلب رسید، لازم است نکات خسته کننده و نخ نما را سریعاً کنار زد:

نخست اینکه، نمایندگی کارگران مثل همیشه بعهده خانه کارگر و یادی ارگانهای سرکوب و جاسوسی علیه کارگران است، که بنوبه خود بلندگوهای تبلیغات رسمی آنها در خوش رقصی و توجیه و دفاع از حکومت سنگ تمام گذاشته اند. بعلاوه، بودجه مصوبه سال ۱۳۹۹ از قبل میزان ۱۵ درصد افزایش دستمزد را مقرر داشته است. وظیفه و نقش این مذاکرات تنها لفت و لیس و تزئین مصالح سرمایه و دولتش در قالب یک تک رقم است. این رقم، با احتساب تورم و گرانی و سایر عوامل، دقیقاً به سیاق ده - بیست سال اخیر، نه افزایش، بلکه کاهش رسمی دستمزدها است، سیاست تعیین دستمزدها در ایران یکسر جنایتکارانه است. دشمنی با کارگر از سر و

سرمایه دار و دستگاہ های تبلیغی آن، مساله دستمزدها را در چهارچوب "صنفاً" جای میدهند، دستمزدها را در انواع نقدی و جنسی، عائله بندی و سنوات و پاداش و عیدی و غیره پاره پاره میکنند تا شکل گیری یک جبهه واحد مبارزه بر سر دستمزدها را هر چه عقب تر بیاندازند.

طبقه کارگر در منگنه شدیدترین اجحافات اقتصادی و در دل محرومیت های بسیار به افزایش دستمزدها نیاز دارد. با رشد و تنوع نیازهای زندگی، افزایش دستمزدها نمیتواند قطره چکانی، کجدار و مریز، سرگردان در دالان پژوهش ها و قطعنامه های حاشیه خط فقر دور خود بچرخد.

مساله گرهي افزایش دستمزدها در ایران آزادی حق اعتصاب و حق تشکلهای توده ای طبقه کارگر است. به این معنا، مساله دستمزدها یک گره گاه سیاسی است. طبقه کارگر باید بتواند نارضایتی عمومی و وضعیت غیر قابل تحمل خود را از دریچه نابرابری طبقاتی بنگرد. هر کارگر در واقعیت زندگی خود میتواند شاهد کافی بر دامنه کار و تولید و سازندگی، شاهد کافی بر دامنه باور نکردنی ثروت و امکانات و سهم تباهی خود را دریابد. وضعیت دستمزدها و پیروسه بامبولهای فصل رقم زدن آن یکسر تحقیر و خفت قطب کارگری جامعه، جولان چرند پراکنی و زور گویی و ابراز وجود لاتهای سرگردانه است. فصل دستمزدها میتواند و حق است که با جهنم دستمزدها جانشین شود. خشم و نارضایتی از دستمزدها از کوجه و

خیابان، از مدارس و دانشگاه ها سرازیر گردد؛ بجای قطعنامه ها، مشت ها؛ بجای محاسبه خط فقر، تجلی انسانی اعتراض به خط فقر به میدان بیاید.

اعتراض قدرتمند، سراسری و طبقاتی کارگری علیه دستمزدها الزاماً از کانال ایجاد تدریجی تشکلهای توده ای کارگری نمیگذرد. شکل و روال فصل تعیین دستمزدها ابداع کارگری در ایران نیست اما این تحفه بورژوازی میتواند به پاشنه آشیل سرمایه و حکومت اسلامی آن در گذر از طلسم و بختک دفاعی امروز تبدیل گردد.

سال ۱۳۹۸، سال اعتراضات گسترده و قدرتمند و توده ای کارگری علیه دستمزدها بود. این اعتراضات کانونهای گرم اعتراضی و قطب های مهم صنعتی ایران را از هفت تبه و فولاد، از اهواز تا اراک را شامل گردید؛ و معتبرترین نام ها از میان چهره ها و تشکل های تاریخ جنبش کارگری را با خود داشت. این جبهه کارگری پشت بزرگترین بسیج سرکوب و تخطئه جمهوری اسلامی را بر زمین کوبید و حمایت فعال توده ای را جلب کرد....

طبقه کارگر، قدرت آن، دستمزدهایش، پروبلماتیک حول تشکل و مکانیسم های ابراز وجود سراسری آن تنها میتواند از منظر "قله های سال ۱۳۹۸" تعریف شود. تشکیلی دستمزدهای شورای عالی دستمزد از پیش معلوم است، مساله اصلی آنجاست که پلاتفرم دستمزد هفت تبه، پرچم کدام بخش کارگران و با کدامین ابزار مبارزاتی باشد.

تعطیلی فوری مراکز تولیدی و تحصیلی
و ... مبتلا به ویروس کرونا و پرداخت
حقوق کامل کارگران و کارمندان!

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

سادگی قابل عبور نیست. آنچه که دولت های حاکم در کشورهای غربی را سرآسیمه و نگران کرده است، نه تاثیرات مخرب و کشنده این ویروس و قربانی شدن مردم، که عواقب پسا کرونا، و جهان پسا کرونا است. "کرونا"، سرعت و دامنه گسترش سیاره ای آن در حالی بر سر جهانیان فرود آمد، که پیش از آن هم کره خاکی نه تنها صحنه صلح و صفا و آرامش و رفاه و امنیت نبود، که در گرداب فجایع و بحران های پی در پی گرفتار، و در التهاب "تغییرات" مهم، تاریخی و سرنوشت سازی، می سوخت! تغییراتی چون یافتن راه مقابله با بحران خطرناک تخریب محیط زیست، مقاومت در مقابل عواقب "برگزیت" و بحران اقتصادی ←

بردگانان، فکری نکرده و ذخیره ای کنار نگذاشته اند! که تخت بیمارستان کم است! که دستگاه اکسیژن به اندازه کافی تولید نشده و تولید آن هم در دورنما فوری نیست و خرج پرورش کادر درمانی و بهداشتی و تحقیقات و دارو مورد نیاز نکرده اند! که برای یک تست ساده، باید ماهها و شاید سالها وقت خرید و اجازه داد تا این اپیدمی از بخش های ضعیف تر چون بیماران و سالمندان هر قدر میتواند قربانی بگیرد! تا نظام، سرعت رسیدگی به مردم را به سرعت گسترش این اپیدمی، برساند! این بحران، که نه بیولوژیکی که سیاسی و اقتصادی است، با کشف هیچ واکسن و تولید هیچ داروی پزشکی، برای خدا یان نشسته بر مسند خدایی در جهان امروز، به

سخاوتمندانه کمک های "بشردوستانه" خود را به بشرهای کمتر "سعادت مند" در این و آن گوشه جهان برسانند! بحران جوامعی است که در آنها سکان داران و حکومت ها، غیر "توتالیتر" و غیر "عقب مانده"، "حقوق بشری" و "دمکرات"، هستند. در این جوامع، در شرایطی که، علاوه بر عقل سلیم، همه منابع علمی و دارویی هم گواهی میدهند که بشر امروزی به سادگی قادر به مقابله با این اپیدمی "بسیار ساده" بود، نمایندگان "منتخب مردم" و دولت های حاکم، که بنام "حفاظت از منافع مردم" و "حفظ امنیت و سلامت" آنها، قرن ها جوامع انسانی را تماما در اختیار و کنترل خود دارند، چه پاسخی میتوانند داشته باشند! که در قرن بیست و یکم در جوامع ما، در "روزهای آفتابی" و در روزهایی که ماشین تولید و بارآوری و سودآوری کارکرد نجومی داشت، "اربابان" و "برده دران" جهان "متمدن" حتی در حد "پدران" برده دار خود در تاریخ، برای روزهای "بارانی" برای سلامت

از چهل سال است که برای سرپا نگاه داشتن خود، با مردم چون هشتاد میلیون "برده"، "گروگان" و "گله"، برای استفاده در هر معامله سیاسی- نظامی، امنیتی و اقتصادی، استفاده میکنند، و حفظ محیط زیست بشر و حیوانات و گیاهان در آئینش شوخی تلخی است، بکنار! "بحران" کرونا، هر چند قربانیان خود را بیشتر از جوامع محروم، فقر و مذهب زده چون ایران و جغرافیاهای دیگر حاشیه ای بگیرد، اما بحران قاره "متمدن" است! "بحران" کشورهای است که در آنها "قلب" جوامع متعارف امروزی می طید، "روح" نیازهای ازدها اقتصاد جهانی حکم میراند، نطفه انقلابات صنعتی بعدی چهارم و پنجم در آنها بسته میشود، و بر آنها سیاست "مدرن" و "امروزی" حاکم است! جوامعی که در آنها، گفته میشود که مردم "اختیار" سرنوشت شان را به حکومت های متمدن قرن بیست و یکم و "منتخب" خودشان داده اند.

بحران کرونا" بحران جوامعی است که در آنها دهه ها است که خبری از قحطی و گرسنگی و فرار و مرگ بر اثر بیماری های ساده چون وبا و مالاریا، نیست! با این و آن اپیدمی قابل کنترل، که به سادگی، در این و آن گوشه منزوی از جهان متمدن قربانی میگردد، فاصله نجومی احساس میکرد! بحران جوامعی است که در آنها برای کمک به گرسنگان و بیماران و قحطی زدگان در این و آن گوشه جهان، خود را مسئول می دانست تا

جدال جهانی کرونا ...

خالی از سکنه، قرنطیه و به شکل "شهر ارواح" در آمد! تصویر اروپا قرون وسطی و به پرواز درآمدن شبخ طاعون و "مرگ سیاه"، از پشت اذهان مردم کم کم به جلو صحنه رانده میشود! شوک این اپیدمی، لایه های پایینی در جوامع پیشرفته را، که جدا از هر انتقاد و ایرادی که به دولت ها و سیستم هایشان داشته اند تاریخا عادت داده شده اند که به دولت هایشان در مقابله با چنین بحران های "پیش پا افتاده" ای اعتماد کنند، تماما بهت زده کرده است! لایه های بالایی در حکومت ها، دستپاچه تر، سراسیمه تر و وحشت زده تر بنظر می رسند! هیچ کس ظاهرا با قطعیت "نقشه راهی" برای عبور از "بحران کرونا" ندارد!

روشن ترین استراتژی دولت های حاکم عبارت است از اینکه: بگذارید اندک اندک در "گرداب بحران" بیفتیم! بگذارید "فرصت بخریم" و تلاش کنیم که سرعت مرگ و میر کاهش بیابد تا "امکانات نظام" خود را به سرعت رشد و گسترش ویروس، برساند. تا کی! نامعلوم است! این تمام نقشه راهی است که قدرتمندترین و "متمدن ترین" حکومت ها در مقابل مردم تحت انقیادشان می گذارند! ایران با حکومتی رسماً قرون وسطایی، بکنار! این وصله زمخت و نجسب تاریخی به جوامع بشری، جایی که حکومت پوسیده مذهبی، نزد مردم کمترین اعتماد و مشروعیتی ندارد و بیش

ایجاد کمیته های دفاع در مقابل کرونا یک امر ضروری و حیاتی است. کمیته های دفاع مردمی از فعالین و شخصیت های انسان دوست، از پزشکان و پرستاران مسئول و شرافتمند، برای مقابله با این خطر جدی تشکیل دهید! کمیته هایی که در محلات و شهرها بر امور حفاظت از جان مردم اشراف دارند و بر تامین امکانات کافی و فوری از جانب نهادهای دولتی نظارت می کند.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

و سیاست های پی در پی ریاضت اقتصادی، فرار میلیونی از جهنم خاورمیانه و "بحران پناهندگی"، تحریم اقتصادی ایران و عواقب مرگبار آن برای مردم از یک سو و انفجار خیزش های مردمی پی در پی در ایران و امید به سقوط تروریسم اسلامی در ایران و خاورمیانه و همراه آن قطع دست تروریسم دولتی آمریکا، اوج گرفتن شورش های مردمی در فرانسه و شیلی و لبنان و عراق، که تنها نوک قله های یخی بود که در حال ذوب شدن بود. اضافه شدن "بحران کرونا" به این صحنه، تغییر و تحول در جغرافیای سیاسی و اقتصادی جهان را به سطح دیگر و بسیار بالا تر و پیچیده تری می برد.

در جوامع غربی، مردمی که به "عدم استفاده سیاسی از مصائب و بلاهای طبیعی" عادت دارند، و در ابتدا تلاش میکنند حکومت های شان را، "به خاطر کرونا" تحت فشار اعتراضی قرار ندهند، پس از سرگذاردن شوک های اولیه و تکیه بر عقل سلیم که این اپیدمی نه بلایی طبیعی که شرایطی مطلقا قابل پیشگویی و قابل کنترل بود و هست، بیدار میشوند! فی الحال نشانه های عمیق بیداری در آن را میتوان مشاهده کرد. با "شکیبایی" در سطح اطلاعات فشار خود را بروی حکومت ها گذاشته اند. اما این شکیبایی دائمی نیست و بسرعت پایان میگيرد. این را قدرت های حاکم به خوبی میدانند! شهروند ایتالیایی، اسپانیایی، انگلیسی، فرانسوی و آمریکایی از خود میپرسد که چرا تا این درجه در مقابل یک اپیدمی ساده، بی حفاظ است! چرا "زیر ساخت های" نظامی و اقتصادی و سرمایه و پول و بانک و انباشت، هست، اما از کمترین "زیرساخت" سلامت انسان و محیط زیست، خبری نبوده و نیست! چرا در "زوهای آفتابی" برای "روزهای بارانی" مطلقا هیچ کنار گذاشته نشده است! میداند

خدا کاره ای نیست! اگر در قرون وسطی و عهد بربریت و جاهلیت ارباب می توانست چند کیسه غله برای زمستان و روزهای بارانی کنار بگذارد، در عصر انقلابات صنعتی چهارو پنجم، چرا تخت و اطاق و بیمارستان و دارو و دستگاه اکستزین کنار گذاشته نشده است! این سلب اعتماد پایه ای از "حکومت های منتخب"، برای قدرت های حاکم، از نفس کرونا، کشنده تر است!

گفته میشود که تاثیرات "کرونا" بر تاریخ و ساختار سیاسی و نظم و نسق جهان، غیرقابل پیش بین است. یازده سپتامبر و بحران مالی و جهانی سال ۲۰۰۸ با آن قابل قیاس نیست. گفته میشود که همانطور که اپیدمی طاعون در قرون وسطی اروپا و بدنبال آن جهان را تغییر داد، موجب بی اعتباری کلیسا، تغییر ترکیب جمعیت کارکن و نیروی کار و زمینه ساز رنسانس و تغییر در ساختار اقتصادی و سیاسی و ایدئولوژیکی جوامع بشری شد، جهان پس از عبور از کرونا، میتواند در همان ابعاد متحول شود! طبقه حاکم، نمایندگان در قدرت، از امروز سنگینی وزن هیولای برخاسته از "بحران کرونا" را روی شانها احساس میکنند.

تلاش میکنند که برای رویارویی با جهان پساکرونا، خود را آماده کنند. تحمیق مردم و پنهان کردن ناتوانی "نظام" شان در پاسخ گویی به حداقلی از سلامت جامعه، بردی ندارد. محافل دوراندیش تر طبقه حاکم، در خود دولت هایی که در مقابل افسار تماما رها شده بازار، کمترین کنترلی ندارند، اعلام میکنند که باید "شیوه زندگی مان" را تغییر دهیم! یعنی شاید ناچار شویم افسار سودآوری سرمایه را، برای بقا نیروی کار و طبیعت برای تداوم بهره کشی، و بعلاوه برای نگاه داشتن موقعیت طبقه مان در قدرت، کمی بکشیم! می

گویند باید از "استباهات مان" درس آموزی کنیم. یعنی چون پدران مان، کمی در مقابل بردگان، با "دوراندیشی" عمل کنیم! گفته میشود شاید به این خاطر "ناچار باشیم" که کمی "دمکراسی" و "آزادی" ها را محدود کنیم و آنها را قربانی کنیم! یعنی افسار قید و شرط استثمار و بهره کشی از گرده بردگان مزدی، "آزادی" بی قید و شرط استفاده و تخریب محیط زیست، را کمی بکشیم! شاید ناچار شویم "آزادی" مطلق تبدیل شدن همه و هرچیز به کالا، از نیروی کار تا اعضا بدن و آب و هوا و سلامت و بهداشت و جان و امنیت مردم، و فرستادن همه آنها به بازار برای معامله و کسب سودآوری بیشتر، را کمی محدود کنیم! محدود کردن این آزادی ها، بخصوص در جهان پسا جنگ سرد و جهان چند قطبی و حاکمیت مطلق "بازار آزاد" برای بورژوازی اما میتواند، قمار و در حکم عملیات انتحاری باشد! چرخ تاریخ به عقب باز نمی گردد! دولت های بورژوایی با حداقلی از پذیرش مسئولیت در قبال رفاه جامعه، برگشت به "جوامع رفاه" و "سوسیال دمکراسی" غربی، که از محصولات جانبی انقلاب کارگری و بخصوص انقلاب اکتبر بود، نوستالژی بیش نیست و قابل باز گشت نیست. علاوه بر این حقیقت تاریخی، "تغییر شیوه زندگی" نظام کاپیتالیستی موجود، و بکارگیری "آموخته های بحران کرونا" در جوامع غربی در خلاصورت نمی گیرد! برای تغییر شیوه زندگی، تغییر نظم جامعه، برای برقراری عدالت اجتماعی، نیروهای دیگری

در صحنه، عرض اندام میکنند و فعال میشوند! هر عقب نشینی بورژوازی در مقابل توقعات مردم، محکومین را متوقع تر و قوی تر به میدان می کشاند. "بحران کرونا" فی الحال جهانی از شهروندانی که مسئولیتی در قبال تبدیل شدن این "اپیدمی ساده" به یک فاجعه انسانی و جهانی ندارند را، به احساس هم سرنوشتی و احساس مشترک بی قدرتی در مقابل طبقه حاکم، کشانده است و آنها را به هم نزدیک و نزدیک تر کرده است. ورای مرزهای کشوری و نژادی و اعتقادی، بشریت بعنوان پیکره ای واحد، در مقابل این خدای حریص و طمعکار! این هیولای سیری ناپذیر، قد علم میکند! این بار میتواند از بطن جوامع متمدن، قد علم کند.

اگر در قرون وسطی، کلیسا در مقابل مردمی که به خدا پشت میکردند، بی جواب ماند و نهایتا طاعون و مرگ سیاه به بساط خرافه کلیسا و دستگاه مذهب ضربات تعیین کننده ای زد و در کنار تغییر ترکیب نیروی کار، زمینه های عبور سریع از نظام کهنه و پوسیده را فراهم کرد، "بحران کرونا"، خرافه امروز، خدای امروز، دولت های حافظ نظام ضدبشری سود و سرمایه را فی الحال مورد تعرض قرار داده است. معلوم شد برخلاف "خرافه" جهان متمدن و امروزی قرن بیست و یک، در مهد دمکراسی، دولت نماینده همه مردم نیست! نیست! "شر" و بی امکاناتی و بی مسئولیتی و رها شدن سلامت مردم و جان انسان در برهوت بی امکاناتی، تنها و تنها خصلت جوامع

عقب مانده و باحکومت های "توتالیتر" نیست! دمکراسی و پارلمان و حق مردم و حقوق انکار ناپذیر بشر و مسئولیت دولت ها، همانقدر پوچ و خرافه است، که اعتقاد به خدایان قرون وسطی و کشیشان و مجازات ساحره ها برای مقابله با "مصائب مردم"! آتش زدن ساحره های خاورمیانه و این و آن "محورشر" و قربانی کردن حلقه های ضعیف تر در حواشی دورتر، توسط خدایان و مباحثین خرافه های جهان متمدن، همان قدر نجات شان میدهد، که نظام های قرون وسطی را نجات داد!

فریبکاری جهان متمدن صنعتی قرن بیست و یکم، در سیر "بحران کرونا" تماما کنار زده میشود. از پس آن میتوان گوشه هایی از سیمای "جهان پساکرونا" را مشاهده کرد. آنچه که دولت های کشورهای پیشرفته را دچار پانیک کرده است، و بزرگترین و پیشرفته ترین پایتخت های جهان را به شهر ارواح تبدیل کرده است، نه ناتوانی بشر در مقابله با این ویروس، که ناروشنی از آینده نظام "پساکرونا" است. انسان متمدن در این جوامع، این ها را می بیند! میتواند این خدا را هم همچون خدایان قرون وسطی به زیر بکشد. پایان گرفتاری از "کرونا" میتواند پایان اقتدار خدایان این قرن باشد. میتواند سرآغاز عصر بیداری بشری باشد که از آسیا تا آفریقا، از اروپا تا آمریکا، علیرغم همه اختلاف ها و شکاف های کاذب، در دل این "بحران" احساس همدردی و هم سرنوشتی می کند. بشریت در مقابل نظمی که هر لحظه سوخت و سازش علیه او است، ناچار است به میدان بیاید.

برای آزادی، برابری به حزب حکمت پیونید

مارس وحشت در دل دریای مدیترانه

مصطفی اسدپور

دو هفته اول ماه مارس دریای اژه از مدیترانه، حد فاصل ترکیه و یونان به صحنه وحشت مرگ بیش از چهل هزار پناهجو تبدیل شد. اگر قایق های بادی فکسنی مالامال از زن و کودک در امواج دریا کورسوی امیدی را نمیتوانست سراغ بگیرد، اما وحشت اصلی در مقصد، در خشکی در کمین و در انتظار طعمه نشسته بود.

روز بیست و هشتم فوریه در ادامه حمله دولت ترکیه به سوریه، اردوغان به تهدید خود مبنی بر هجوم موج پناهجویان به سمت اروپا جامه عمل پوشاند. دهها هزار پناهجو راه گذر به مرز یونان را به روی خود باز یافتند. هدف ترکیه روشن بود، پیچاندن دست اروپای مشترک و اخاذی پول بیشتر بر مبنای توافق کنترل مرزها در سال ۲۰۱۶ و گرو کشی برای جلب حمایت سیاسی در اشغال شهر "ادلیب" در سوریه و امکان کنترل در بخش کرد نشین درون و بیرون مرزهای ترکیه.

برای دهها هزار پناهجو، اساسا از سوریه، گفته میشود در طول دو هفته دریای اژه چشم خواب بر هم نگذاشته است. حجم عظیم اخبار و گزارشات از جزایر کوچک مرزی یونان گواه صحت این گفته است. همه چیز نشان از

تنش و پریشانی عمیق و خاموش نشدنی در چند جزیره از جمله Kos, Lesbos, Samos دارند. با خواندن این گزارشات و با نگاهی به تصاویر در حیرت میمانید که چگونه چنین حجم عظیمی از اسلحه و نیروی مسلح، ارگان و مامور، چگونه این تعداد سیاستمدار و تماشاچی و دوربین و خبرنگار، و چگونه اینهمه توطئه و دسیسه و دشنام علیه پناهجویان در چند صد متر مربع توانسته جا بگیرد.

در طول دو هفته دریای اژه از فرط تعداد کشتی های مجهز و نظامی یونانی و تلاش بی وقفه در سد کردن قایق های پناهجویان اشباع گشت، تیر اندازی مستقیم پلیس منجر به غرق یک قایق بادی شد، دست کم یک دختر خردسال بر اثر شلیک نیروهای گارد یونان جان خود را از دست داد. تیر اندازی هوایی و شلیک گاز اشک آور و درگیری تن به تن از کشمکش های روزمره به حساب آمده است. دریای اژه با همه امواج سهمگین خود از هر تقصیری در دو هفته ننگ و نفرت راسیسم و نژادپرستی و ضدیت با پناهجویان مبرا است. کسی نتوانست سر در

بیابورد چگونه نمایندگان اداره مهاجرت کشورهای اروپایی و دستجات نژاد پرست در صف جلو در میان پناهجوی تازه از راه رسیده، در حالیکه تنها امواج و تاریکی و ترس را پشت سر خود داشتند، سینه سپر کردند. دولت فنلاند صدور سیم خاردار مجانی را آغاز کرد و اعلام آمادگی برای اعزام واحد های مبارزه با پناهجو را منتشر ساخت...

مدیترانه بزرگ و وحشی هرگز در مقابل آثار باقیمانده از مسابقه

نشریه هفتگی
حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب
@Hekmatistx

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

نیروهای رنگارنگ ضد مهاجر و نژادپرست اروپایی در سردی و بی تفاوتی در مواجهه با نیاز و درماندگی همونوع، مشت های گره کرده و بغض "برو گم شو!" کمر راست نخواهد کرد.

روز هجدهم مارس با مذاکرات تازه میان اردوغان و نمایندگان اروپای مشترک و اعلام توافقات تازه تر، ترکیه مرز های خود را بست و یونان اعزام و زندان پناهجویان در کمپ های بسته و غیر قابل عبور را در دستور خود گذاشت.